

## دکتر گری یتس، کتاب دوازدهم، جلسه ۲۸، زکریا، قسمت ۲

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر گری یتس و آموزه‌های او در مورد کتاب دوازدهم است. این جلسه ۲۸، زکریا بخش ۲ است.

این جلسه دومین درس ما در مورد کتاب زکریا و از طریق پیامبران حجی است و خدا مردم را به یک وظیفه بسیار مهم و یک مسئولیت مهم، بازسازی معبد او و بازگشت به سوی او، فراخواند.

اما نقش این پیامبران فقط به چالش کشیدن مردم نبود. بلکه آنها را تشویق، تسلی و یادآوری این نکته نیز می‌کردند که خدا با آنهاست. خداوند از طریق حجی خواهد گفت، من با شما هستم.

من این را تا آخر ادامه خواهم داد. او به زروبابل و یوشع اطلاع می‌دهد که کوه‌هایی که در مقابل شما ظاهر می‌شوند، موانعی هستند؛ من آنها را به سطح صاف تبدیل خواهم کرد، زیرا شما این کار را با قدرت من یا با قدرت خودتان انجام نمی‌دهید. شما این کار را با قدرت من و با قدرت روح من انجام می‌دهید.

بنابراین، در کتاب زکریا پیامی از تشویق و وعده‌ی بازگشت وجود دارد. موضوع توبه در ابتدای کتاب مطرح شده است. اولین بخش اصلی کتاب، رؤیاهای شبانه‌ای است که به زکریا داده می‌شود.

باز هم، اینها جنبه‌ای اکنون و نه هنوز دارند. بخش اکنون، برکت و کمک خداوند به مردم در بازسازی معبدشان است، برکتی بر رهبری آن زمان. اما این به سوی یک بازسازی بزرگتر اشاره دارد.

زروبابل و یوشع، در نقش‌های خود به عنوان شخصیت سلطنتی و شخصیت کاهن، در نهایت به شاخه صالح، عیسی مسیح، اشاره می‌کنند که هر دو نقش را با هم ترکیب خواهد کرد. چالش دیگری در بخش اصلی دوم کتاب زکریا، در فصل‌های هفتم و هشتم، به مردم ارائه شده است. این بخش خاص از کتاب به سؤالات مربوط به روزه‌داری می‌پردازد.

این ما را به مسئله توبه بازمی‌گرداند و اینکه چگونه توبه‌ای جزئی از جانب اسرائیل صورت گرفته است، اما در نهایت، اگر می‌خواهند نعمت او را تجربه کنند، باید کاملاً به خداوند و به فرامین خدا و راه‌های او بازگردند. تاریخ‌گذاری زکریا هفت و هشت، خدا با این مسئله و پاسخی به این مسئله نزد او می‌آید. همه اینها در دسامبر سال ۵۱۸ قبل از میلاد اتفاق می‌افتد.

بنابراین، این بیش از یک سال پس از رؤیاهای شبانه است. به یاد داشته باشید که کار بر روی معبد ادامه دارد و قرار نیست تا سال ۵۱۵ قبل از میلاد تکمیل شود. این بخش از کتاب، بیش از تمرکز بر ساختمان و معبد، بر وضعیت معنوی مردم تمرکز خواهد کرد.

مردم در فصل هفتم، آیه سوم، با سوالی نزد پیامبر می‌آیند. سوال اینجاست. آیا باید در ماه پنجم به گریه و پرهیز ادامه دهیم، همانطور که من سال‌هاست انجام داده‌ام؟ این سوال توسط رهبری به او خطاب شده است.

سوالی که آنها می‌پرسند این است که آیا ما، به عنوان قوم خدا، باید با روزه گرفتن در ماه پنجم، به یادبود سقوط اورشلیم ادامه دهیم؟ این زمانی است که نبوکدنصر شهر اورشلیم را تصرف و ویران کرده بود. این

روزه یادبودی برای این واقعه فاجعه‌بار بود که در تاریخ یهودا اتفاق افتاده بود. آنها با روزه گرفتن، ابراز غم و اندوه نیز می‌کردند.

این فرصتی برای دعا برای بازگشت بود، اما به نوعی، توبه مردم را نیز منعکس می‌کرد. می‌دانیم که در فصل هفتم، آیه پنجم، به ما می‌گوید که در ماه هفتم روزه وجود داشته است. آنها به عنوان بخشی از جامعه پس از تبعید، در ماه هفتم روزه می‌گرفتند تا ترور جدلیا، فرماندار یهودا را که پس از سقوط اورشلیم اتفاق افتاده بود، به یاد آورند.

این داستان در کتاب ارمیا، در فصل ۴۱ ارمیا، برای ما بازگو شده است. آنها این جشن‌های آیینی را به عنوان راهی برای بزرگداشت این فجایع ملی برگزار می‌کنند. بنابراین آنها این سوال را از خدا و پیامبر می‌پرسند: آیا باید به انجام این روزه‌ها ادامه دهیم؟ اما بیش از این آیین‌ها، چیزی که فکر می‌کنم سوال واقعاً منعکس می‌کند این است که آیا تبعید تمام شده است و آیا می‌توانیم به عنوان قوم خدا به جلو حرکت کنیم؟ چیزی که پیامبر قرار است بر آن تأکید کند این است که مسئله در اینجا روزه گرفتن نیست.

مسئله اینجا است که خدا می‌خواهد شما تشخیص دهید که از تبعید، شما را به خاطر نافرمانی از احکام، قضاوت و مجازات کرده است. اگر می‌خواهید تبعید تمام شود، اگر می‌خواهید از این مرحله عبور کنید، مسئله ادامه روزه نیست. مسئله این است که آیا واقعاً از خدا اطاعت خواهید کرد و کارهایی را که او به شما دستور داده است انجام خواهید داد؟ بنابراین، دعوتی برای توبه‌ای عمیق‌تر از آنچه در فصل اول دیدیم، وجود دارد.

آنها در فصل اول توبه کردند. آنها به سوی خداوند بازگشتند. خداوند به سوی آنها باز می‌گردد و آنها را قادر می‌سازد تا دوباره بسازند.

اما فراتر از آن، آیا اکنون آنها کاملاً توبه خواهند کرد تا جایی که مایل به اطاعت از خداوند باشند؟ بنابراین خداوند از طریق پیامبر در آیه نهم از فصل هفتم می‌گوید، قضاوت‌های درست انجام دهید، به یکدیگر مهربانی و رحمت نشان دهید، به بیوه زنان، یتیمان و غریبان ظلم نکنید. بنابراین، مسائل عدالت اجتماعی هنوز وجود داشت. ما هنوز در دوره پس از تبعید نمونه‌هایی از افراد بانفوذ و ثروتمند و رهبرانی داریم که از فقرا و نیازمندان سوءاستفاده می‌کنند.

پیامبر می‌گوید روزه مسئله نیست. مسئله این است که آیا شما کاملاً از خدا اطاعت خواهید کرد؟ فکر می‌کنم در اینجا، در زکریا، فصل‌های هفت و هشت، نمونه دیگری از این واقعیت می‌بینیم که خدا تحت تأثیر عبادت ساختگی قرار نمی‌گیرد. و ما این را در دوره قبل از تبعید دیدیم.

عاموس قرار است در این مورد صحبت کند. دیگر قربانی‌ها، سرودها و هدایایان را برای من نیاورید. بگذارید عدالت مانند آب جاری شود، آنگاه من خشنود خواهم شد.

می‌کاه می‌گوید خدا از ما چه می‌خواهد؟ همه قربانی‌های مجلل نیست. بلکه محبت و رحمت، اجرای عدالت و فروتنی در پیشگاه خدای خود است. اشعیا می‌گوید، از آمدن نزد من و پایمال کردن دربار من دست بردارید.

هر وقت دست‌هایت را برای دعا به سوی من بلند می‌کنی، خون کارهایی که با مردمی که از آنها سوءاستفاده کرده‌ای، انجام داده‌ای را روی دست‌هایت می‌بینم. بنابراین، اینجا هم واقعاً همین مشکل وجود دارد. از این کارها دست بردار و عدالت واقعی را اجرا کن.

فرانک لباخ می‌گوید اگر از نوعی عبادت خواب‌آلود که به خدا تقدیم می‌کنید خسته شده‌اید، احتمالاً خدا هم به اندازه شما از آن خسته شده است. و بنابراین، خداوند واقعاً از عبادت خواب‌آلود، روزه‌داری که آنها انجام می‌دادند، این آیین خسته شده بود. چیزی که در نهایت خدا می‌خواست ببیند، عدالت واقعی بود.

اکنون، خداوند در این بخش، دوباره مردم را تشویق می‌کند و به آنها وعده می‌دهد که آینده‌ای عالی برایشان در نظر دارد. آنچه آنها پس از فرمان کوروش و تحت رهبری زروبابل در بازگشت به سرزمینشان تجربه کرده‌اند، عالی است که خداوند آنها را به سرزمینشان بازگرداند، اما از بسیاری جهات هنوز دوران سختی است. ناامیدکننده بوده است و آنها هنوز تحت ظلم و ستم بیگانگان زندگی می‌کنند.

بنابراین، خداوند وعده‌های شگفت‌انگیزی برای آینده یهودا دارد. یکی از قسمت‌هایی که در اینجا منعکس شده است، فصل هشتم، آیه چهارم، پیرمردان و پیرزنان دوباره در خیابان‌های اورشلیم خواهند نشست، هر کدام به دلیل پیری عصای خود را در دست دارند. و خیابان‌های شهر پر از پسران و دخترانی خواهد بود که در کوچه بازی می‌کنند.

خداوند لشکرها چنین می‌گوید: اگر این امر در نظر بازماندگان این قوم در آن روزها عجیب باشد، آیا در نظر من نیز عجیب خواهد بود؟ خداوند چنین می‌گوید: اینک من قوم خود را از سرزمین شرقی و از سرزمین غربی نجات خواهم داد و آنها را در اورشلیم ساکن خواهم کرد و آنها قوم من خواهند بود و من خدای آنها در امانت و عدالت خواهم بود.

بنابراین، ما اینجا این ایده را درک می‌کنیم که بازگشت دیگری در انتظار مردم است و نعمتی در آینده که از آنچه در حال حاضر تجربه می‌کنند، فراتر خواهد رفت. بنابراین، اگر از آنچه اکنون اتفاق می‌افتد ناامید شده‌اید، منتظر کاری باشید که خدا در آینده انجام خواهد داد. و بنابراین، این موضوع گسترش می‌یابد و درک بیشتری از وعده‌های احیا که در انبیاء اشعیا، ارمیا و حزقیال داده شده است، ارائه می‌دهد.

مرحله اول برای بازسازی وجود دارد، اما در آینده مرحله دومی نیز وجود خواهد داشت. بازتاب بیشتری از آنچه خداوند برای اورشلیم در نظر دارد، فصل هشتم، آیات 20 تا 23: مردم باز هم خواهند آمد، حتی ساکنان شهرهای بسیار، ساکنان یک شهر به شهر دیگر خواهند رفت و خواهند گفت: بیایید فوراً برویم تا از خداوند طلب لطف کنیم و خداوند لشکرها را بجویم و بگویم: من خودم می‌آیم. بسیاری از ملت‌ها و قوم‌ها و ملت‌های قوی خواهند آمد تا خداوند لشکرها را در اورشلیم بجویند و از خداوند طلب لطف کنند.

خداوند می‌گوید در آن روزها، ده مرد از ملت‌ها و از هر زبانی، ردای یهودی را به تن خواهند کرد و خواهند گفت: «بیایید با شما برویم، زیرا شنیده‌ایم که خدا با شماست.» و بنابراین، آینده شامل ملت‌هایی می‌شود که برای پرستش خداوند می‌آیند. دیگر ارتشی از بابل یا سوریه برای حمله به اورشلیم نخواهد آمد.

خود ملت‌ها قرار است خداوند را پرستش کنند، و ده نفر از ملت‌ها در واقع قرار است یک زائر یهودی را که به اورشلیم می‌رود، بگیرند و بگویند، بگذار ما هم با تو برویم. این آینده‌ای است که خدا برای اسرائیل در نظر دارد. بازگشت از تبعید پایان داستان نیست، اما آنچه زکریا می‌خواهد تأکید کند این است که آن برکات مشروط به این واقعیت است که مردم باید به طور کامل، تمام و کمال و حقیقتاً به سوی خداوند روی آورند.

بنابراین، در فصل ۸، آیه ۱۶، در میان همه این وعده‌ها، به یکدیگر راست بگویید، در دروازه‌های خود داوری‌های راست را اجرا کنید و صلح را برقرار سازید. در دل‌های خود بدی را تدبیر نکنید. هنگامی که به عدالت بازگردید، رستگاری کامل حاصل خواهد شد.

بنابراین، همه اینها، توبه جزئی که منجر به برکت جزئی می‌شود، در نهایت جای خود را به توبه کامل می‌دهد که برکت کامل را به همراه خواهد داشت و خداوند متعهد است که این امر را محقق کند. با این حال، مردم قرار نیست در مراحل اولیه بازگشت از تبعید، چنین چیزی را تجربه کنند. همه اینها ما را به پیام زکریا ۹-۱۴ می‌رساند، جایی که اکنون تمرکز فراتر از آینده نزدیک است.

و در حالی که فصل‌های ۱ تا ۸ به ما بینشی در مورد «هنوز» داده‌اند، اما عمدتاً بر جزئیات فوری و زروبابل و یوشع و بازسازی‌هایی که مردم در آن زمان انجام می‌دادند، متمرکز بودند، زکریا ۹ تا ۱۴ به شیوه‌ای گسترده‌تر به بازسازی آینده خواهد پرداخت. و بنابراین تأکید در ۱ تا ۸ بر بازگشت است. تأکید در ۹ تا ۱۴ بر بازگشت فراتر از بازگشت است.

حال، یکی از مباحث مقدماتی و یکی از سوالات مهم در مورد نویسندگی که در کتاب انبیای صغیر مطرح می‌شود، این است که محققان انتقادی اغلب کتاب زکریا ۹ تا ۱۴ را متاخرتر از آنچه در فصل‌های ۱ تا ۸ داریم، می‌دانند. دلایل مختلفی برای این امر وجود دارد و آنها این مطالب را از قرن هشتم، که بسیار قبل از زمان زکریا است، یا برخی از مطالبی که از قرن هشتم تا قرن دوم وجود دارد، قدمت می‌دانند. دلیل اصلی این کار آنها ژانر آخرالزمانی است؛ آنها این را چیزی متاخر می‌دانند.

و با توجه به این واقعیت که ما این تصاویر آخرالزمانی را داریم که بر آخرالزمان تمرکز دارند، این دلیلی برای استدلال برای تاریخ متأخر است. تنش‌های جامعه‌شناختی که در زکریا ۹-۱۴ یافت می‌شوند، ظاهراً منعکس‌کننده درگیری بعدی بین یهودیان و سامریان هستند. در فصل ۹، آیه ۱۳، به یونان اشاره شده است، اگرچه ما اشاراتی به یونانیان و جاوه توسط پادشاهان آشوری نیز داریم.

بنابراین، آیا می‌توانیم از آن به عنوان یک تاریخ متأخر استفاده کنیم؟ صرف نظر از این مسائل، و اینها برخی از مسائل اصلی برای دیدن یک سوم - زکریا به همان روشی هستند که محققان انتقادی برای یک سوم یا سه سوم - اشعیا استدلال کرده‌اند، شواهد دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد نشان می‌دهد این مطالب با اواخر قرن ششم در پایان زمان خدمت زکریا بسیار مطابقت دارد و می‌تواند در آنجا تاریخ‌گذاری شود. یکی از تفاوت‌های دیگر این است که ما برای مطالب در فصل‌های ۱-۸ زکریا تاریخ داریم.

ما برای رؤیاهای شبانه تاریخی داریم. ما برای پاسخی که خدا در باب‌های ۷ و ۸ در مورد سوال روزه به زکریا می‌دهد، تاریخی داریم. برای دو بخش اصلی که در زکریا ۹ تا ۱۴ آمده‌اند، تاریخی وجود ندارد.

بنابراین اینها برخی از دلایلی هستند که چرا این بحث در مورد زکریای اول و زکریای دوم وجود دارد. با این حال، باز هم، فکر می‌کنم مهم است که به یاد داشته باشیم که این یک وحدت کانونی است و این موارد در کانون به هم پیوسته‌اند. پیام این دو بخش از کتاب زکریا به خوبی یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

یکی از نکاتی که مارک بودا در مورد وحدت کتاب به آن اشاره کرده است این است که شما نه تنها واژگان زیادی دارید که بین این دو مشترک است، بلکه در فصل‌های ۱ تا ۶ نیز شاهد یک سیر تکاملی خوب از زمان حال و تمرکز بر آینده در زکریا ۹ تا ۱۴ در فصل‌های ۷ تا ۸ هستید. توبه و برکتی وجود داشته است، اما تا زمانی که مردم به طور کامل به سوی خدا باز نگردند، تمام برکاتی را که خدا به آنها وعده داده است، تجربه نخواهند کرد. به نوعی، فصل‌های ۷ تا ۸ برای ما از برکات نزدیک و برکات فوری و احیایی که اکنون در حال وقوع است به احیای آینده که قرار است در بازگشت و فراتر از بازگشت اتفاق بیفتد، سیر تکاملی دارند.

هانسن، که مطالعات گسترده‌ای در ادبیات آخرالزمانی انجام داده است، استدلال می‌کند که بر اساس ویژگی‌های آخرالزمانی که در اینجا یافت می‌شود، می‌توانیم تاریخ این مطالب را از اواسط قرن ششم تا اواخر قرن چهارم بدانیم. بنابراین حتی اگر صدای نبوی وجود داشته باشد که به نوعی به پیشگویی‌های زکریا اضافه

کند یا آنها را روشن کند یا گسترش دهد، در اینجا چیزی وجود ندارد که این را تا اواخر قرن دوم ببیند. اندرو هیل به زیان موجود در کتاب دوم زکریا در فصل‌های ۹ تا ۱۴ نگاه می‌کند و می‌گوید که این زیان به خوبی با سال‌های ۵۱۵ تا ۴۴۵ قبل از میلاد مطابقت دارد.

اشارات به خشکسالی در زکریا ۱۰-۱ و اشارات به بت‌پرستی در فصل ۱۰، آیات ۱-۳ آمده است. مارک بودن خاطرنشان می‌کند که این موضوع با آنچه در کتاب حجی قبل از زمانی که مردم واقعاً کار بازسازی معبد را آغاز می‌کنند، اتفاق می‌افتد، بسیار مطابقت دارد. خدا آن لعنت‌های عهد را بر آنها نازل کرده است، آنها آن را تجربه کرده‌اند.

اختلاف بر سر رهبری که در بخش مربوط به چوپانان در فصل ۱۱ کتاب زکریا می‌بینیم، می‌تواند با پایان دوران حکومت زروبابل به عنوان فرماندار یهودا مطابقت داشته باشد. این لزوماً منعکس کننده اختلافاتی نیست که بین یهودیان و سامریان در جریان بود. و بنابراین، محققان بسیار توانمند و ماهری مانند اندرو هیل و مارک بودن وجود دارند که به این بخش نگاه می‌کنند و مطالبی را می‌بینند که بسیار با زمان زکریا مطابقت دارد.

بنابراین، اینکه آیا برخی از این موارد منعکس کننده اضافات بعدی به کتاب است، اینکه آیا در نهایت صدای نبوی وجود دارد که رد پای زکریا را دنبال می‌کند، چندان مهم به نظر نمی‌رسد. شاهد اصلی در اینجا این است که ما یک پیام واحد داریم. دنی هیز به این واقعیت اشاره می‌کند که تعدادی شعار و تشابه بین دو نیمه است. کتاب وجود دارد که آنها را به هم پیوند می‌دهد.

و اگر تفاوت‌هایی در واژگان وجود داشته باشد، تفاوت‌هایی که در فصل‌های ۱ تا ۸ و فصل‌های ۹ تا ۱۴ منعکس شده‌اند، ممکن است به این دلیل باشد که ما در اینجا ژانرهای متفاوتی داریم. تفاوت‌های ژانری، نه دو نویسنده‌ی متفاوت، ممکن است تفاوت‌هایی را که محققان بین نیمه‌ی اول کتاب و نیمه‌ی دوم کتاب به آن اشاره کرده‌اند، توضیح دهد. چیزی که من می‌خواهم روی آن تمرکز کنیم، فراتر رفتن از این است.

بیاپید پیام اصلی این را بررسی کنیم. و وعده‌ای برای این پادشاهی آینده و جنبه‌های هنوز کشف نشده‌ی احیایی که اسرائیل در نهایت تجربه خواهد کرد، وجود دارد. ارمیا گفته بود که خداوند قوم را پس از ۷۰ سال به سرزمینشان باز خواهد گرداند.

دانیال آن پیشگویی قبلی را روشن می‌کند و می‌گوید، خب، نه، در واقع ۷۰ هفته از هفت هفته خواهد بود. بنابراین، یک دوره زمانی طولانی و طولانی فراتر از ۷۰ سال تبعید. و من فکر می‌کنم این همان چیزی است که ما در رویای آخرالزمانی زکریا نیز در حال وقوع است.

یک بازگشت اولیه وجود دارد که به چیزی بزرگتر اشاره دارد. در آن بازگشت آینده، چیزهایی که خدا وعده می‌دهد اینها هستند. خدا وعده پادشاهی در آینده را می‌دهد که صلح را برای اسرائیل به ارمغان خواهد آورد. و در نهایت بر دشمنان آنها حکومت خواهد کرد.

زکریا ۹-۱۰. ای دختر صهبون، بسیار شاد باش. ای دختر اورشلیم، با صدای بلند فریاد بزن.

اینک پادشاه تو نزد تو می‌آید، عادل و صاحب نجات، فروتن و سوار بر الاغ، بر کره الاغ. بنابراین، وعده نبوی احیای نسل داوود، بخشی از رؤیای آخرالزمانی نهایی زکریا در فصل ۱۰، آیات ۶-۱۲ است.

باز هم، من فکر می‌کنم این موضوع در درک نحوه‌ی توسعه و پیشرفت نبوت در عهد عتیق بسیار مهم است. بازگشتی وجود دارد که قرار است در آینده‌ی اسرائیل اتفاق بیفتد. و بنابراین، در اوایل دوره‌ی پس از تبعید، پیامبرانی مانند زکریا و حجی می‌دانند که این پایان کار نیست.

این تمام چیزی نیست که خدا برای اسرائیل دارد. آنها با کمک به ما در درک این موضوع که خداوند قرار است آینده و بازگشت بزرگتری را به ارمغان بیاورد، دیدگاه آخرالزمانی ما را گسترش می‌دهند. در طول تاریخ تعامل خدا با قومش، الگویی از رهایی وجود دارد که در آن خدا اعمال رستگاری بزرگتر و بزرگتری انجام می‌دهد، جایی که در نهایت وعده‌های عهدی را که به قوم اسرائیل داده است، محقق خواهد کرد.

بنابراین، این بازگشت آینده فراتر از بازگشت [خدا] در آیات ۶ و بعد از زکریا ۱۰ برای ما توصیف شده است. من خاندان یهودا را تقویت خواهم کرد. من خاندان یوسف را نجات خواهم داد.

من آنها را باز خواهم گرداند زیرا بر آنها رحم کرده‌ام. و آنها طوری خواهند بود که گویی آنها را رد نکرده‌ام. زیرا من خداوند، خدای آنها هستم و به آنها پاسخ خواهم داد.

آیه ۸. من برای آنها سوت خواهم زد و آنها را جمع خواهم کرد، زیرا آنها را نجات داده‌ام. و آنها به تعداد سابق خود خواهند بود، اگرچه من آنها را در میان ملت‌ها پراکنده کردم. با این حال، در کشورهای دور، آنها مرا به یاد خواهند آورد.

آیه ۱۰. و جالب است که به ملت‌هایی که او در اینجا به آنها اشاره می‌کند توجه کنید. من آنها را از سرزمین مصر به خانه خواهم آورد و آنها را از آشور جمع خواهم کرد.

و من آنها را به سرزمین جلعاد و لبنان خواهم آورد تا جایی برای آنها باقی نماند. زکریا درباره بازگرداندن آنها از مصر و آشور صحبت می‌کند. و بنابراین، این احتمال وجود دارد که زکریا از یک پیشگویی پیشین مربوط به قرن هشتم و زمان بحران آشور برای صحبت در مورد بازگشت از تبعیدی که هنوز در آینده است، استفاده می‌کند.

و بنابراین، آنچه ما در شرح تاریخ نجات و در شرح وعده‌های نبوی خدا داریم این است که صرفاً یک بازگشت از تبعید وجود ندارد. مجموعه‌ای از بازگشت‌ها از تبعید وجود دارد. مجموعه‌ای از اعمال رهایی‌بخش وجود دارد.

در زمان ظهور اولیه‌ی عیسی، و ان‌تی رایت بر این نکته تأکید کرده است، مردم هنوز خود را در تبعید می‌بینند. عیسی می‌آید تا آنها را از تبعید رهایی بخشد و در نهایت آنها را نه تنها از بابلی‌ها یا رومی‌ها، بلکه از شیطان و از گناهشان رهایی بخشد. و خروج نهایی دوم، رهایی نهایی، در زمان ظهور دوم عیسی اتفاق خواهد افتاد.

زکریا مشتاقانه منتظر این الگوی بازگشت است. همچنین وعده توبه اسرائیل و بازگشت آنها به سوی خداوند وجود دارد. به یاد داشته باشید، در بخش اول کتاب، آنها توبه می‌کنند، اما این توبه‌ای ناقص است.

آنها کاملاً از راه‌های گناه‌آلود خود رویگردان نشده‌اند. در نهایت، خدا این مشکل را حل خواهد کرد. و بنابراین، در ابتدای کتاب دوازدهم، وقتی هوشع این مشکل را مطرح می‌کند، من مردم را به بازگشت به سوی خدا فرا می‌خوانم، اما آنها روح فحشا دارند که به آنها اجازه بازگشت به سوی من را نمی‌دهد.

خدا چگونه می‌خواهد این را حل کند؟ در هوشع ۴:۱۴ در پایان کتاب آمده است: من ارتداد آنها را شفا خواهم داد. خدا در ابتدای کتاب دوازدهم وعده می‌دهد که این کار را در دوره آشوریان انجام دهد. و در پایان کتاب دوازدهم، همانطور که در دوره پس از تبعید هستیم، وعده شفای قومش توسط خدا و رفع مشکل ارتداد آنها وجود دارد.

و این مکمل چیزی است که در ارمیا و حزقیال در مورد نوشتن شریعت توسط خدا بر قلب یا دادن قلبی جدید به قومش می‌بینیم. زکریا می‌گوید وعده خداوند در اینجا این است که من بر خاندان داوود و ساکنان اورشلیم، روح فیض و درخواست رحمت خواهم ریخت، تا وقتی به من، به کسی که نیزه زده‌اند، نگاه کنند برای او سوگواری کنند. در نهایت، خداوند توبه را به ارمغان خواهد آورد، زیرا او روح فیض و توبه را بر قوم خود خواهد ریخت که آنها را به سوی خداوند باز خواهد گرداند.

من اینجا ارتباطی با وعده‌هایی که در یوئیل از جانب خدا داریم که روح را بر قومش نازل می‌کند، می‌بینم. این روح خداست که در نهایت به مردم کمک می‌کند تا کاملاً بازگردند و از گناهان خود توبه کنند. در فصل ۱۳ آیات ۱ و ۶، خداوند گناه قوم خود را پاک خواهد کرد.

خداوند قرار است زمین و اهداف داوری خدا را پاک کند، در نهایت هر چقدر هم که این داوری‌ها شدید و وحشتناک بودند، هدف از داوری نابودی یا نابودی قوم او نبود. هدف از این داوری‌ها در نهایت پاک کردن گناهان آنها بود. اشعیا نیز همین را در فصل چهارم اشعیا می‌گوید.

آتش سوزان داوری خدا قرار است پلیدی قومش را پاک کند. زکریا نیز این ایده را دارد. قرار است در آینده چشمه‌ای برای خاندان داوود و ساکنان اورشلیم باز شود تا آنها را از گناه و ناپاکی پاک کند.

خداوند آنها را خواهد بخشید، پاک و خالص خواهد کرد. و این درجه‌ای است که مردم به سوی خدا باز خواهند گشت. خداوند اعلام می‌کند که در آن روز، نام بت‌ها را از روی زمین پاک خواهم کرد تا دیگر کسی آنها را به یاد نیاورد.

و همچنین انبیا و ارواح پلید را از زمین دور خواهم کرد. اینها مشکلات بزرگی برای اسرائیل در گذشته بوده‌اند. بت‌پرستی، انبیاپی که آنها را گمراه کرده‌اند.

من آن چیزها را از زمین پاک خواهم کرد. این داوری همه آنها را پاک خواهد کرد. و اگر کسی دوباره نبوت کند، پدر و مادرش که او را به دنیا آورده‌اند به او خواهند گفت: «تو زنده نخواهی ماند زیرا به نام خداوند می‌گویی.»

و پدر و مادری که او را به دنیا آورده‌اند، وقتی نبوت کند، او را سوراخ سوراخ خواهند کرد. و بنابراین، آنها چنان به خداوند وفادار خواهند بود که حتی اگر پسرشان جرأت کند بت‌پرستی را در سرزمین رواج دهد، آنها کسانی خواهند بود که حکم تنبیه ۱۳ را در مورد او اجرا می‌کنند. مردم برای خدا غیرت خواهند ورزید.

آیه چهارم، در آن روز، هر پیامبری هنگام نبوت از رؤیای خود شرمند خواهد شد. او لباس پشمی نخواهد پوشید تا مردم را فریب دهد، بلکه خواهد گفت: من پیامبر نیستم. من کارگر مزرعه هستم، به خاطر مردی که مرا در جوانی فروخت.

و اگر کسی بپرسد، این زخم‌ها بر پشتت چیست؟ او خواهد گفت، زخم‌هایی که در خانه دوستانم برداشتم بنابراین حتی پیامبران دروغین که مردم را گمراه کرده‌اند، دیگر جرأت فریب مردم را نخواهند داشت. خدا بت‌پرستی را از بین خواهد برد.

خداوند پیشگویی‌های دروغین را از بین خواهد برد. اسرائیل کاملاً از خداوند اطاعت خواهد کرد و گناهان گذشته تکرار نخواهد شد. در نهایت، زکریا ۱۲ و زکریا ۱۴ نیز در مورد این واقعیت صحبت می‌کنند که خداوند دشمنان اسرائیل را که در آینده به این سرزمین حمله می‌کنند، شکست خواهد داد.

خداوند قرار است شهر اورشلیم را نجات دهد. ما تصاویر کمی متفاوتی از آن را در زکریا ۱۲ و آنچه در زکریا داریم می‌بینیم، اما در نهایت خدا آنها را نجات خواهد داد. بنابراین درک زکریا از آینده نبوی، باز هم ۱۴ دقیق‌تر و توسعه‌یافته‌تر از حتی آنچه در پیامبران تبعیدی و پیش از تبعید داریم، است زیرا اکنون زکریا می‌فهمد که خدا بابلی‌ها را آورده است.

آنها ما را داوری کرده‌اند. خدا ما را نجات داده است. اما درک او از آینده نبوی این است که قرار است تهاجم دیگری رخ دهد و ارتش دشمن دیگری خواهد آمد و به اورشلیم حمله خواهد کرد و شهر را محاصره خواهد کرد و قوم خدا را تهدید خواهد کرد.

و خداوند از این به عنوان یک داوری پاک کننده بر قوم خود استفاده خواهد کرد. اما پس از اینکه آنها را داوری کند و پس از این چرخه تهاجم و حمله و شکست دشمن، پس از همه چیزهایی که تکرار شده است خداوند سرانجام قوم خود را نجات خواهد داد. و سپس ملت‌های زمین که به اورشلیم حمله کرده‌اند، به بازماندگانی تبدیل خواهند شد که باقی می‌مانند و آن بازماندگان به بازماندگانی تبدیل می‌شوند که از خداوند اطاعت و پرستش می‌کنند.

بنابراین، الگوی تهاجم، شکست و تبعید، همه اینها به آینده منتقل می‌شود. تمام تمرکز این متن و این بخش از کتاب زکریا بر بازگشتی فراتر از بازگشت [اول]، کار بزرگتر احیا و نجات است که خداوند در آینده برای قوم خود انجام خواهد داد. در اینجا می‌خواهم کمی وقت بگذارم تا پیام این بخش از کتاب را بسط دهم. به نظر من، برای ما به عنوان مسیحی، درک پیام مسیحی که از این کتاب بیرون می‌آید، مهم است.

در این متن، متون کلیدی مسیحی وجود دارد، هم به این معنا که پیشگویی‌های مستقیمی در مورد مسیح داریم و هم با توجه به تأکید این بخش بر نجات و احیای آینده به طور کلی. همچنین متونی وجود دارد که عهد جدید آنها را به شیوه‌ای مسیحی تفسیر می‌کند که به نظر من حتی فراتر از آنچه خود این متون واقعاً می‌بینند و می‌فهمند، است. با این حال، این نوعی متن محوری است و من فکر می‌کنم آنچه در اینجا داریم قطعاً یک پیشگویی مستقیم از حاکم ایده‌آل آینده از نسل داوود، مسیح است. آمدن مسیح در زکریا ۹ آیه ۹ یافت می‌شود. در این پیشگویی، ما در مورد این واقعیت صحبت کرده‌ایم که اغلب، جدول زمانی نبوی وقایع نامشخص است. بدیهی است که زکریا نمی‌داند این حاکم آینده چه زمانی خواهد آمد.

همچنین جزئیات دیگری در مورد آمدن مسیح وجود دارد که در اینجا به طور کامل از نظر جدول زمانی بسط داده نشده‌اند. زکریا تفاوت بین آمدن اول عیسی و آمدن دوم عیسی را درک نمی‌کند. او مانند آن شخصی است که به بیرون نگاه می‌کند و دو کوه را در دوردست می‌بیند.

او برکات و چیزهایی را که خدا با آمدن اول مسیح، آغاز پادشاهی، برای قومش وعده داده است، می‌بیند. او برکاتی را که در نهایت در آمدن دوم، در کمال، حاصل خواهد شد، می‌بیند، اما تفاوت یا تمایز بین آمدن اول عیسی و آمدن دوم را نمی‌داند. و بنابراین، در زکریا ۹ آیه ۹، پادشاهی را داریم که به سوی قوم اسرائیل می‌آید.

پادشاه شما عادل و با الاغی فروتن و سوار بر الاغ، بر کره الاغ، کره الاغ، به سوی شما می‌آید. و بنابراین، در عهد جدید، این امر به عنوان تحقق در اولین ظهور عیسی تلقی می‌شود. عیسی در یکشنبه نخل، متی فصل ۲۱، خود را به عنوان پادشاه اسرائیل معرفی می‌کند، ۲۱.

و حداقل نوعی از این اذعان موقت وجود دارد، اما در نهایت، او به طور کامل سلطنت نمی‌کند. او به طور کامل پادشاه نمی‌شود. او طرد و مصلوب می‌شود.

و بنابراین، در نتیجه‌ی آن، وعده‌هایی که در آیات ۱۰ تا ۱۳ در مورد شکست دشمنان اسرائیل که این پادشاه انجام خواهد داد و حکومت و سلطنت صلح و رهایی اورشلیم و اسرائیل و مردم از دشمنانشان داده شده است، تا زمان ظهور دوباره محقق نمی‌شوند. اما زکریا همه آنها را به عنوان یک رویداد پیوسته می‌بیند. در زکریا ۹ تا ۱۳، نمایش پادشاه سوار بر الاغ وجود دارد و سپس سلطنت پیروزمندانه پادشاه در حالی که بر دشمنانش حکومت می‌کند و سلطنت می‌کند، وجود دارد.

بنابراین، رؤیای مسیح آینده عنصری کلیدی در وعده‌های زکریا است. این رؤیا برای احیای آن که در نتیجه‌ی آن رخ خواهد داد، بسیار مهم است. و بنابراین با توجه به این موضوع، عهد جدید کل این بخش را دارای مفاهیم مسیحایی می‌داند.

به فصل یازدهم کتاب زکریا می‌رویم و در اینجا تمرکز بر رهبران بی‌ارزش و چوپانان بی‌ارزشی است که قوم خدا در طول تاریخ خود با آنها سر و کار داشته‌اند. ما ابتدا در فصل دهم، آیات ۲ و ۳ به این چوپانان بد اشاره می‌کنیم. برای خدایان خانگی که بی‌معنی هستند، فالگیران دروغ می‌بینند، خواب‌های دروغ می‌گویند و تسلی پوچ می‌دهند. بنابراین، مردم مانند گوسفندان سرگردان هستند و از فقدان چوپان رنج می‌برند.

بنابراین، در طول تاریخ اسرائیل مشکل رهبری بد وجود داشته است. حزقیال فصل ۳۴ درباره دآوری خدا بر چوپانان بی‌ارزش یهودا صحبت می‌کند که به جای مراقبت از مردم، از مردم تغذیه کرده و به آنها آزار رسانده و انواع کارهای وحشتناک را با آنها انجام داده‌اند. وعده حزقیال این است که خدا در نهایت این رهبری بد را تغییر خواهد داد.

خداوند در نهایت قرار است چوپانان بی‌ارزش را با داوود آینده‌ای جایگزین کند که مردم را چوپانی خواهد کرد، آنها را رهبری خواهد کرد، و همان رهبری خواهد بود که خداوند همیشه از پادشاهان داوود می‌خواست. اما در روزگار زکریا، ما هنوز با مسئله چوپانان بد و رهبران بد مواجه هستیم. بنابراین، برای به تصویر کشیدن این پیام، زکریا قرار است چیزی را که به نظر می‌رسد یک نمایش نبوی یا یک عمل نشانه نبوی است، اجرا کند که در فصل ۱۱ پیامی علیه این چوپانان دروغین می‌دهد.

همچنین پیامی علیه قوم اسرائیل است زیرا آنها رهبری خدا بر خود را رد کرده‌اند و از این چوپانان بی‌ارزش پیروی کرده‌اند که آنها را گمراه کرده‌اند و در نهایت دآوری خود را به ارمغان آورده‌اند. بنابراین، این درام چوپانان بی‌ارزش در زکریا فصل ۱۱ و رد خدا توسط مردم وجود دارد. من فکر می‌کنم دو راه وجود دارد که می‌توانیم زکریا فصل ۱۱ را بخوانیم.

زکریا ۱۱ می‌تواند نمایشی باشد که کل تاریخ اسرائیل و کل تاریخی را که در آن این رهبران بد را تحمل کرده‌اند، به ما یادآوری می‌کند. همچنین می‌تواند نمایشی خاص باشد که به انواع رهبری موجود در میان جامعه پس از تبعید نیز اشاره دارد. شاید این نمایش نزدیک به زمان پایان رهبری زروبابل به عنوان حاکم، جایی حدود ۵۱۰ قبل از میلاد، اجرا شده باشد.

رهبران بی‌ارزش دیگری هم هستند که از زروبابل پیروی نمی‌کنند و مردم را به راهی که باید بروند هدایت نمی‌کنند. بنابراین اتفاقی که اینجا می‌افتد این است که زکریا نقش یک چوپان را بر عهده می‌گیرد و عصایی را حمل می‌کند. او شبیه یک چوپان است.

او مانند یک چوپان عمل می‌کند. ایده این است که او جایگزین رهبران بی‌ارزشی می‌شود که یهودا یا در تاریخ گذشته خود داشته یا در تاریخ فعلی خود تجربه کرده است. یکی از عصاهای او لطف نام دارد و درباره برکتی که خداوند قرار است بر قوم خود نازل کند، صحبت می‌کند.

یکی دیگر از کارکنان، به نام یونیون، درباره این واقعیت صحبت می‌کند که خداوند در نهایت قوم خود را باز خواهد گرداند. بنابراین، همانطور که زکریا این را به نمایش می‌گذارد، پیامی از امید در اینجا وجود دارد. ما در گذشته رهبری بد زیادی داشته‌ایم و شاید در حال حاضر نیز با این رهبری بد دست و پنجه نرم می‌کنیم، اما خداوند لطف خود را به مردم نشان خواهد داد.

خدا قرار است یک رهبر خوب فراهم کند. خود خدا قرار است رهبر قومش باشد. خدا قرار است آنها را هدایت کند.

من فکر می‌کنم همانطور که زکریا این را به نمایش می‌گذارد، پیامبر نقش خدا را بر عهده می‌گیرد و به مردم فرصت می‌دهد. ببینید، لازم نیست این رهبری بد را داشته باشید. می‌توانید رهبری خداوند را داشته باشید.

خداوند می‌خواهد قوم خود را هدایت کند و رهبران مناسبی به آنها بدهد. با این حال، در نهایت، و درک این موضوع برای ما دشوار است، مردم زکریا را رد می‌کنند. آنها نمی‌خواهند او این نقش را ایفا کند، و رهبران بدی را که مجبور بوده‌اند با آنها زندگی کنند و با آنها سر و کار داشته باشند، ترجیح می‌دهند.

در نتیجه، در اجرای این نمایش، هدف از این نمایش نمادین این است که به مردم نشان دهد که رهبری خدا را رد کرده‌اند و پیشنهاد برکت خدا را رد کرده‌اند. او لطف و اتحاد عصا را می‌گیرد و آنها را می‌شکند و عهدی را که با مردم بسته است، باطل می‌کند. ببینید، من این نقش چوپان را بازی کرده‌ام.

من دیگر این کار را نخواهم کرد. شما مرا رد کرده‌اید و من دیگر چوپان شما نخواهم بود. اکنون ما در سراسر ادبیات نبوی، مکان‌های متعددی را دیده‌ایم و می‌بینیم که پیامبران پیام خود را با اعمال و نمایش‌های نمادین به اجرا در می‌آورند.

،ارمیا یوغی بر گردن دارد تا درباره اسارت مردم در بابل صحبت کند. ارمیا کوزه‌ای را در مقابل مردم می‌شکند که نشان دهنده این واقعیت است که خدا قرار است آنها را در داوری خرد کند. ارمیا به سراغ کوزه‌گر می‌رود.

کوزه‌گر گل را شکل می‌دهد. خدا هنوز می‌خواهد قوم خود را شکل دهد و اصلاح کند. بنابراین مردم پیامبری را درک می‌کردند که پیامی را که سعی در موعظه آن داشت، به طرز چشمگیری اجرا می‌کرد.

حزقیال این کار را انجام می‌دهد و جنبه‌های مختلف تبعید و داوری‌ای را که در اینجا اتفاق خواهد افتاد، به تصویر می‌کشد. فکر می‌کنم این همان چیزی است که در فصل ۱۱ به آن می‌پردازیم. در نهایت، در مقابل مردم، پس از مدتی انجام این کار، او عصایی را که نمایانگر این دو وعده، لطف و اتحاد است، می‌شکند.

او می‌گوید، در آن روز، من عهد را باطل کردم، و تاجران گوسفند که مرا تماشا می‌کردند می‌دانستند که این کلام خداوند است. آنها می‌دانستند که این پیامی از جانب خداست. پرده آخر این نمایش و در نهایت آنچه که رد شدن مردم را به دلیل رد رهبری خدا نشان می‌دهد این است که در آیه ۱۲، زکریا می‌گوید اگر به نظر شما خوب می‌آید، مزد مرا بدهید.

من خدمت کرده‌ام و در این نمایش، مزدم را بدهید. پرده آخر نمایش این است که به زکریا به عنوان مزد این مدت خدمتش به عنوان رهبر اسرائیل، سی سکه نقره داده می‌شود.

آنچه که نشان می‌دهد این است که اینها دستمزد یا قیمت یک برده هستند. اینجا زکریا است. او سخنگوی مسح شده خداست.

او در این نمایش، یک پیامبر است. او نماینده‌ی خداوند بوده است و خداوند می‌خواهد چوپان مردم باشد. پرده‌ی پایانی نمایش و نکته‌ی اصلی اینجاست.

مردم در مورد آن رهبری چه فکر می‌کنند؟ آنها آن را رد می‌کنند و می‌گویند، به عنوان رهبر ما، تو برای ما چیزی بیش از یک برده نیستی. بنابراین، زکریا این را می‌گیرد. او 30 سکه نقره را به داخل معبد می‌اندازد، شاید منعکس کننده فساد عبادتی باشد که حتی در این مرحله اولیه وجود دارد.

در آیه ۱۴ آمده است که من عصای دوم را شکستم و برادری بین یهودا و اسرائیل را باطل کردم. بنابراین اکنون، به جای رهبری مثبت خدا، آنها همچنان تحت هدایت نادرست این چوپانان فاسد و بد رنج خواهند بود. این بخشی از تاریخ اسرائیل تا زمان احیای نهایی خواهد بود.

حال اگر این داستان را دنبال کنید و عهد جدید را بشناسید، ارتباط آشکار آن با مسیح را می‌بینید. عهد جدید قرار است در مورد خیانت عیسی صحبت کند. همانطور که یهودا به خاطر خیانتش به عیسی، سکه‌های نقره دریافت می‌کند، آنها این را به عنوان تحقق نمایشی که در زکریا ۱۱ به نمایش گذاشته شده است می‌بینند.

همانطور که یهودا عیسی را طرد و به او خیانت می‌کند و در ازای آن پول دریافت می‌کند، او به نوعی مظهر طردی است که تمام اسرائیل تا حد زیادی نسبت به مسیح خود نشان داده‌اند. بنابراین آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که زکریا ۱۱ یک پیشگویی مستقیم به طور خاص در مورد عیسی نیست. این بیشتر یک پیشگویی و یک عمل نشانه‌ای است که به شورش معنوی مردم آن زمان و این واقعیت که آنها نمی‌خواهند خداوند چوپان آنها باشد، می‌پردازد.

به دلایلی غیرقابل توضیح، آنها هنوز رهبری این چوپانان فاسد را ترجیح می‌دهند. بنابراین، آنچه در زکریا ۱۱ داریم، پیشگویی مستقیمی در مورد عیسی نیست، اما ما یک گونه‌شناسی و الگویی در این زمینه بزرگتر مسیحایی احیا داریم که به وضوح ما را به عیسی متصل می‌کند. همانطور که مردم در زمان زکریا، خداوند را به عنوان چوپان خود رد کردند، وقتی یهودا و رهبران با هم توطئه کردند تا به عیسی خیانت کنند و او را به مرگ بسپارند، آنها بار دیگر خدا را در شخص عیسی رد می‌کنند.

عیسی به سوی قوم اسرائیل فرستاده شد تا چوپان خوب آنها باشد، در نهایت آنها را نجات دهد و رهایی بخشد، اما مردم آن رهبری را رد کردند. بهایی که برای این خیانت پرداخت می‌شود، دستمزد یک برده است. یهودا معتقد است آنچه می‌تواند دریافت کند که به یک برده داده یا پرداخت می‌شود، ارزشمندتر از رابطه او یا رهبری عیسی به عنوان چوپان و مسیح اسرائیل است.

بنابراین، اینجا یک نوع‌شناسی وجود دارد. رد خداوند در زکریا فصل ۱۱، رد عیسی به عنوان مسیح توسط اسرائیل در انجیل‌ها و در متی فصل ۲۷ را پیش‌بینی می‌کند. همانطور که احیای کامل نمی‌تواند در دوره پس از تبعید اتفاق بیفتد زیرا مردم خدا را رد کرده‌اند، احیای کامل نمی‌تواند در زمان ظهور اولیه عیسی نیز اتفاق بیفتد زیرا آنها او را به رسمیت نمی‌شناسند یا او را به عنوان شبان خود نمی‌شناسند.

ما یک متن دیگر داریم که فکر می‌کنم یک نوع‌شناسی بین طرد شدن خداوند توسط اسرائیل و آنچه او برای آنها انجام می‌دهد و آنچه می‌خواهد برای آنها در دوره پس از تبعید انجام دهد، و طرد شدنی که عیسی در زمان اولین آمدنش توسط قوم اسرائیل در زکریا فصل ۱۲ آیه ۱۰ تجربه می‌کند، ایجاد می‌کند. با نگاهی به بازسازی آینده، من بر خاندان داوود و ساکنان اورشلیم روح فیض و آرامش و التماس رحمت خواهم ریخت، تا وقتی به من که به او نیزه زده‌اند نگاه کنند، برای او مانند کسی که برای یک فرزند تنها سوگواری می‌کند سوگواری کنند. ایده سوراخ کردن در اینجا، کلمه‌ای که در اینجا استفاده شده است، اغلب برای زخمی که به یک سرباز وارد می‌شود وقتی که در جنگ با شمشیر زخمی می‌شود، استفاده می‌شود.

می‌تواند برای توصیف یک زخم جدی استفاده شود. می‌تواند برای توصیف یک زخم کشنده استفاده شود. در اینجا، طرد اسرائیل در فصل ۱۱ به عنوان خیانت یا درد ناشی از دستمزد بردگی به تصویر کشیده شده است.

آنها در اینجا خداوند را به عنوان رهبر خود رد کرده‌اند. این رد کردن مانند زخمی است، زخم یک جنگجو که به دلیل رد کردن او به یهوه وارد می‌کنند. آنچه زکریا فصل ۱۲ آیه ۱۰ نوید می‌دهد این است که در نهایت خداوند روح توبه را بر مردم خواهد ریخت تا آنها متوجه شوند که خداوند را رد کرده‌اند و رد کردن او به اندازه زخم شمشیر یک سرباز دردناک است.

اما باز هم، ما متنی داریم که از عهد عتیق گرفته شده و به رد یهوه توسط مردم در زمان زکریا اشاره دارد. این متن با مصلوب شدن و رد عیسی در عهد جدید مرتبط است. یوحنا فصل ۱۹ می‌گوید وقتی سربازان نیزه را برداشتند و عیسی را سوراخ کردند، این اتفاق، تحقق زکریا فصل ۱۲ بود.

خب، باز هم، ما در اینجا پیشگویی دقیق و صریحی نداریم که این اتفاق خاص برای عیسی رخ خواهد داد، اما یک نوع‌شناسی داریم. همانطور که مردم زمان زکریا با طرد شدنشان به خداوند آسیب رساندند، در نهایت عیسی به دلیل طرد شدن قوم خدا با شمشیر و نیزه سوراخ سوراخ خواهد شد و رهایی اتفاق نخواهد افتاد و تا زمانی که آنها متوجه نشوند که چه کاری انجام داده‌اند، حاصل نخواهد شد. حال، در مورد ارتباطات مسیحایی در همه اینها، چیزی در متن زکریا ۱۲ وجود دارد که فکر می‌کنم ما را به این موضوع هدایت می‌کند زیرا در فصل ۱۲ آیه ۱۱ آمده است، همانطور که آنها برای گناه خود سوگواری می‌کنند و از آنچه انجام داده‌اند توبه می‌کنند، در آن روز، سوگواری در اورشلیم به بزرگی سوگواری برای حداد و ریمون در دشت مجدو خواهد بود.

این سرزمین برای هر خانواده به تنهایی سوگواری خواهد کرد، خانواده خاندان داوود به تنهایی، همسرانشان به تنهایی، و همه مردم، از جمله رهبرانی که قرار است سوگواری کنند. اما وقتی به سوگواری که در مجدو برگزار می‌شود اشاره می‌کند، احتمالاً اشاره تاریخی در اینجا این است که آنها به زمان فاجعه ملی نگاه می‌کنند، زمانی که یوشیا، خداترس‌ترین پادشاه اسرائیل، در آنجا درگذشت. این پادشاه خداترس درگذشت.

این دوران، دوران فاجعه ملی بود. او رهبری جوان و پرجنب‌وجوش بود و هنوز ۳۹ سال داشت. بنابراین، این دوران سوگواری برای اسرائیل چیزی شبیه به سوگواری‌ای بود که در ایالات متحده، زمانی که رئیس‌جمهور روزولت یا رئیس‌جمهور کنندی در کشور ما بودند، رخ داد.

و بنابراین، در نهایت، با نگاهی به آن زمان فاجعه ملی و غم و اندوه و ماتمی که مردم داشتند، این مانند غم و اندوه و توبه و ماتمی خواهد بود که آنها در نهایت متوجه می‌شوند که خداوند را به عنوان چوپان خود رد کرده‌اند. و هنگامی که به این درک می‌رسند که مسیح خود را نیز سوراخ کرده‌اند و او را نیز رد کرده‌اند. یک متن نهایی مسیحایی وجود دارد، زکریا فصل ۱۳، آیات هفت تا نه.

و اینجا می‌گوید: «ای شمشیر علیه چوپان من، علیه مردی که در کنار من ایستاده است، برخیز، خداوند لشکرها می‌گوید. چوپان را بزن و گوسفندان پراکنده خواهند شد. من دست خود را علیه کودکان در تمام زمین خواهم چرخانم، خداوند می‌گوید.»

دو سوم بریده و هلاک می‌شوند و یک سوم زنده می‌مانند. و دوباره فکر می‌کنم، چوپان با شمشیر زده می‌شود و سپس گوسفندان پراکنده می‌شوند. ما در اینجا پیشگویی مستقیمی از عیسی نداریم، اما یک نوع‌شناسی داریم که در عهد جدید به دلیل زمینه وسیع‌تر مسیحایی به عیسی اطلاق می‌شود.

در فصل ۱۳، آیه هفتم کتاب زکریا، چوپانانی که در اینجا زده می‌شوند، چوپانان بی‌ارزشی هستند که اسرائیل را رهبری کرده‌اند و گناهکاران سرزمینی هستند که خدا قرار است با داوری خود در فصل‌های ۱۳، ۱ تا ۹ آنها را پاک کند. به یاد داشته باشید در آیات قبل از این، خداوند قرار است بت‌هایی را که در سرزمین هستند، از بین ببرد. خداوند قرار است پیامبران دروغین را که در سرزمین هستند، از بین ببرد.

خداوند همچنین چوپانانی را که مردم را گمراه کرده‌اند، یعنی چوپانان بد، از بین خواهد برد. بنابراین، در نهایت، چگونه می‌توان این متن را که در مورد چوپانان بد صحبت می‌کند، در مورد عیسی به کار برد؟ و من فکر می‌کنم در اینجا ما یک نوع‌شناسی، یک قیاس داریم. و به همان روشی که وقتی چوپان در زکریا ضربه می‌خورد و مردم پراکنده می‌شوند، وقتی عیسی به عنوان چوپان، چوپان خوب، ضربه می‌خورد، شاگردان پراکنده می‌شوند و متفرق می‌شوند.

اما نکته‌ی جالب در مورد این نوع‌شناسی این است که داوری چوپان زده شده و پراکنده شدن گوسفندان در نهایت به این نکته اشاره دارد که چگونه چوپان زده شده در شخص عیسی در نهایت منجر به احیای قوم خواهد شد و آن را به ارمغان خواهد آورد. بنابراین عهد جدید، فصل‌های نهم تا سیزدهم زکریا را به عنوان بخشی از کتاب زکریا که به احیای قوم و پادشاهی آخرالزمانی خدا می‌پردازد، می‌شناسد. و آنها کل این بخش را به شیوه‌ای مسیحایی تفسیر می‌کنند.

خداوند به قوم خود وعده‌ی احیایی فراتر از این بازسازی را داده است. و بخش کلیدی آن این است که عیسی، به عنوان مسیح، بر قوم خود حکومت خواهد کرد. و باز هم، همانطور که در پایان درس اولمان در مورد زکریا صحبت کردیم، مردم روزگار زکریا در حال و نه هنوز زندگی می‌کنند.

اما به دلیل وفاداری خدا، آنها می‌توانستند به وعده‌های نهایی که خدا به قوم خود داده بود، اعتماد کنند، به آنها تکیه کنند. و ما، به عنوان قوم خدا، در زمان حال و نه هنوز، بین آنچه عیسی در آمدن اول برای ما انجام داده و آنچه خدا در آمدن دوم برای ما وعده داده است، زندگی می‌کنیم.

و ما می‌توانیم همان اطمینانی را داشته باشیم که آن افراد داشتند، که همانطور که خدا وعده‌های خود را در عیسی محقق کرده است، همانطور که ما قبلاً شروع به تجربه افتتاحیه و آغاز پادشاهی کرده‌ایم، می‌دانیم که رسیدن نهایی آن اتفاق خواهد افتاد. و آن پادشاهی و وعده‌های پادشاهی بر شخص عیسی، مسیح اسرائیل، و کار و چیزهایی که او در نهایت برای آنها انجام خواهد داد، متمرکز است.

این دکتر گری یتس و آموزه‌های او در مورد کتاب دوازدهم است. این جلسه ۲۸، زکریا بخش ۲ است.